

بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح شجره‌ی طیبه‌ی صالحین - 1 / آذر / 1391

بسم الله الرحمن الرحيم

خدا را سپاسگزاریم که يك نمونه‌ای از آنچه که در ماجرای بزرگ عاشورا دیده شد، نقل شد برای ما، در دوران ما به وجود آمد؛ مردان و زنان و جوانانی که به هدف اندیشیدند، از جان، از مال، از تعلقات زندگی چشم پوشیدند؛ این را ما در دوران دفاع مقدس به چشم دیدیم و امروز ادامه‌ی آن و برکات آن را داریم مشاهده میکنیم. تقارن این ایام با حادثه‌ی عظیم عاشورا درس‌آموز است. هیچ وقت نباید امت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی ماجرای عاشورا را به عنوان يك درس، به عنوان يك عبرت، به عنوان يك پرچم هدایت از نظر دور بدارد. قطعاً اسلام، زنده‌ی به عاشورا و به حسین بن علی (علیه السلام) است. همان طور که فرمود: «و انا من حسین»؛ (1) بنا بر این معنا، یعنی دین من، ادامه‌ی راه من، به وسیله‌ی حسین (علیه السلام) است. اگر حادثه‌ی عاشورا نبود، اگر این فداکاری عظیم در تاریخ اسلام پیش نمی‌آمد، این تجربه، این درس عملی، به امت اسلامی داده نمیشد و یقیناً اسلام دچار انحرافی میشد از قبیل آنچه که ادیان قبل از اسلام دچار آن شدند و چیزی از حقیقت اسلام، از نورانیت اسلام باقی نمی‌ماند. عظمت عاشورا به این است. البته مصیبت در عاشورا سنگین است، خسارت بزرگ است، جان کسی مثل حسین بن علی (علیه السلام) به همه‌ی آسمان و زمین می‌ارزد، جانهای پاک و طیب و طاهر آن اصحاب، آن جوانان، آن اهل بیت، قابل مقایسه‌ی با جان هیچ کس دیگر نیست؛ اینها در این میدان به خاک و خون غلتیدند، فداکاری کردند، فدا شدند، حرم معزز پیغمبر و امیرالمؤمنین به اسارت افتادند؛ این حوادث خیلی سنگین است، خیلی تلخ است، خیلی سخت است، اما آنچه که بر تحمل این حوادث تلخ و سخت مترتب شد، آنچنان بزرگ است، آنچنان با عظمت و ماندگار است که تحمل این حوادث سخت را بر کسی مثل حسین بن علی (علیه السلام) و یاران او و خانواده‌ی او آسان میکند. این را بزرگان نقل کرده‌اند، مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی (رضوان الله علیه) در مراقبات - که حرف ایشان سند است، حجت است - تأکید میکنند که در روز عاشورا هرچه مصیبت‌ها سنگین‌تر میشد، چهره‌ی حسین بن علی (علیه السلام) برافروخته‌تر، آثار شکفتگی در آن بزرگوار بیشتر آشکار میشد. این حقایق پرمغز، پر راز و رمز، اینها باید دائماً در مقابل چشم ما باشد.

خب، در زمان ما نمونه‌هایی از این فداکاری‌ها دیده شد، آنچه در تاریخ خوانده بودیم، بخشهایی از آن را، نمونه‌هایی از آن را، که یکی از مهمترین و برجسته‌ترین مظاهر آن هم همین شجره‌ی طیبه‌ی بسیج است، هم قبل از شروع جنگ تحمیلی، هم در جریان دفاع مقدس - این تجربه‌ی بسیار دشوار و سخت برای کشور - و هم بعد از دفاع مقدس تا امروز، در مقابل چشم دیدیم؛ مسئله‌ی بسیج، تجربه‌ی بسیج، دارای برکات بسیار بزرگی بوده است و ان شاء الله این برکات باید ادامه پیدا کند و ادامه پیدا خواهد کرد.

يك نکته این است که در دوران دفاع مقدس، آنچه که در حرکت بسیج دیده میشد، در عیار خلوص، دارای عیار بالائی بود، که این را باید امروز هم ما تأمین کنیم در حرکت بسیج. میدان امروز، میدان پیچیده‌تری است. رفتن در عرصه‌ی جنگ و قتال و مبارزه کردن و مسئولیت به عهده گرفتن، بعد هم به شهادت رسیدن یا جانباز شدن، یا به سلامت برگشتن، حضور در آن میدان کار خطرناکی است، اما پیچیدگی ندارد. حضور در میدان امروز در مقابله‌ی با توطئه‌ی دشمن، حمله‌ی دشمن، و صف‌آرایی این دو صف و دو جبهه‌ی برجسته پیچیدگی‌هایی دارد؛ ممکن است آن خطرات نقد آن روز، امروز نباشد، لکن پیچیدگی‌های بیشتری دارد. امتیاز آن صحنه این بود که کسی که میرفت، خلوص واضحی از خود نشان میداد. ورود در آن میدان، ورود در میدان مرگ و زندگی بود؛ شوخی نبود؛ هم شهامت لازم داشت، هم فداکاری لازم داشت، هم ایمان لازم داشت، هم توکل به خدا لازم داشت، و میرفتند شهید میشدند. امروز در میدانهای مختلف، همان ایمان، همان شهامت لازم است، اما بدون این عناصر هم ممکن است کسانی در کسوت بسیجی ظاهر بشوند؛ این را بایست مراقبت بکنید. از خودمان مراقبت کنیم در درجه‌ی اول و از محیط بسیج مراقبت بکنیم در درجه‌ی بعد؛ این کار یکایک احاد بسیج است. عیار روحیه‌ی بسیجی در مجموعه‌ی بسیج، از جمله

در این مجموعه‌های «صالحین»، که شما تصدی آنها را بر عهده گرفته‌اید و آنها را مدیریت میکنید، باید بالا برود؛ خلوص را باید تضمین کنیم و در مجموعه‌ی کارها تضمین کنید. این یک قدری سخت است. یک علت اینکه جهاد در میدان مقابله‌ی با نفس و مسائل معنوی، «اکبر» نامیده شده است، همین سخت‌تر بودن کار است. در جنگ با دشمن - جنگ نظامی - انسان راحت میتواند آن میزان خلوص خود را و میزان خلوص دیگران را اندازه‌گیری بکند؛ راحت‌تر میشود اندازه‌گیری کرد، اینجا نه؛ اینجا، هم خود انسان دچار اشتباه میشود، هم دیگران در شناخت انسان دچار اشتباه میشوند.

یک نکته‌ی دیگر این است که از آفتها نسبت به خودمان پرهیز کنیم. آفت غرور، آفت تظاهر و ریاکاری؛ این آفات، آفات مهلکی است. اگر چنانچه موفقیتی به دست می‌آوریم، خدا را شاکر باشیم، از خدا بدانیم، برای ادامه‌ی آن از خدا کمک بخواهیم؛ این هم یک مسئله‌ی اساسی است که دچار غرور نشویم، دچار اعتماد به نفس زیادی نشویم، از خودمان ندانیم، توکل به خدای متعال بکنیم. حقیقت قضیه هم همین است؛ حول و قوه‌ای جز آنچه که در اختیار خالق ذوالجلال است، وجود ندارد؛ کار اوست؛ توفیق ما، انتخاب ما، توانائی‌های ما، شوق ما، ایمان و عشقی که در دل ما هست، همه صنع دست پروردگار است. این را بدانیم، شاکر باشیم و تزاید او را از خدای متعال طلب کنیم. این هم یک مسئله است.

یک نکته‌ی اساسی که خوشبختانه دیدم در بیانات حضراتی که اینجا صحبت کردند مورد توجه قرار گرفته است، کیفیت و عمق این مجموعه‌هائی است که بدنه‌ی بسیج را و پایه‌های اصلی بسیج را تشکیل میدهند. آنچه که ضرر میزند، ضربه میزند، سطحی‌نگری در اعتقاد و در فهم و در گزینش منطق و مبناست. سطحی‌نگری ضربه میزند؛ مثل یک سر باری که بر روی یک مجموعه‌ی باری گذاشته باشند، یک باد شدید، یک تکان شدید، او را می‌اندازد. عمق باید داد، ریشه باید داد اعتقادات را؛ اینها چیزهائی است که مورد توجه شما هم بحمدالله قرار دارد. اصل تشکیل مجموعه‌های «صالحین»، بر اساس همین دید به وجود آمد که از لحاظ معنوی، از لحاظ تربیتی، از لحاظ تعلیمی، عمق بخشیده بشود به فکر و به روحیه‌ی جوانان بسیجی ما در بخشهای مختلف.

خب، در مجموع که نگاه میکنیم، می‌بینیم که وجود بسیج یکی از معجزات انقلاب است. این ابتکار امام بزرگوار ما، آگاهی او را، حکمت او را، اتصال دل نورانی او را به اراده‌ی الهی، به حکمت الهی، نشان میدهد. بسیج یک پایه‌ی مستحکمی برای انقلاب شد. امروز بسیج در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی تجربه، در زمینه‌ی فناوری، در زمینه‌های معنوی، در زمینه‌ی خدمات اجتماعی، در زمینه‌ی نظریه‌پردازی در بخشهای مختلف زندگی اجتماعی، در زمینه‌ی تحصیل، در زمینه‌ی تربیت، ببینید چقدر فعال است در بخشهای گوناگون. یک روزی اگر تجربه‌ای پیش بیاید و ملت مجبور بشود که در مقابل دشمن دست به سلاح ببرد و دفاع نظامی بکند، باز هم همین مجموعه‌ی جوانها، همین بسیج، همین جوانهای شجاع ملت عزیز ما، دلاوری ملت ایران را، ماندگاری ملت ایران را، اقتدار ملت ایران را، شکست‌ناپذیری ملت ایران را به دشمن نشان خواهند داد. (2) مجموعه‌های دیگر، کشورهای دیگر هم که در این راه نورانی اسلام خواسته‌اند قدم بردارند یا قدم برداشتند، از این تجربه تبعیت خواهند کرد. این تجربه، تجربه‌ی موفق است. ما باید عملکرد خوبی نشان بدهیم. این دستورالعمل بسیج را در جهان اسلام و در میان کشورهای اسلامی و ملتهای اسلامی به عنوان یک دستورالعمل زنده و قابل تبعیت و پیروی تثبیت خواهد کرد و این تا حدود زیادی امروز هم اتفاق افتاده است و انجام گرفته است. بنابراین تقویت بسیج، هرچه خالص‌تر کردن و معنوی‌تر کردن عناصر بسیجی، توسعه‌ی فعالیتهای بسیجی به همه‌ی مناطق زندگی، جزو کارهای اساسی است که مجموعه‌ی دست‌اندرکاران بسیج و مرتبطین با آن و فعالان در آن باید دنبال کنند.

از خود شروع کردن هم که دستور اسلام به ماهاست؛ همه‌ی ما در همه‌ی سطوح باید اول از خودمان شروع کنیم. «من نصب نفسه للئاس اما ما فلیبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره». (3) در همه‌ی سطوح همین جور است. از خودمان باید شروع کنیم؛ این را ما در بسیج جا بیندازیم.

همین بحث سبک زندگی و اسلوب زندگی به حسب نظر اسلام، این در داخل بسیج میتواند یک معیار برای خودشناسی باشد. بحث این نیست که دستگاهاهی برتر و بالاتر بیایند ما را عیار بزنند، ببینند چه جوری است، بحث

این است که خودمان، خودمان را عیارسنجی کنیم. رفتار ما در محیط کار چگونه است؟ رفتار ما با همسر و فرزند چگونه است؟ رفتار ما در محیط زندگی و محیط اجتماعی چگونه است؟ رفتار ما با زیر دست چگونه است؟ با کسی که بالادست ماست، رفتار ما چگونه است؟ رفتار ما با دوست چگونه است؟ با دشمن چگونه است؟ اینها همه در اسلام اندازه و معیار دارد. خودمان را بسنجیم. این میشود عیار خویش را سنجیدن، خود را درست شناختن. اگر از اینجا شروع کردیم، بنیان زندگی ما، بنیان کار ما در همه‌ی بخشها، بخصوص در بسیج، که حالا محل بحث ماست، تقویت خواهد شد.

به هر حال کشور ما، ملت ما، انقلاب ما و تاریخ ما به بسیج نیازمند است و بسیج به کیفیت بخشیدن روزافزون به خود نیازمند است و این کاری هم که شما برادران و خواهران عزیز اشتغال دارید، بخش مسئله‌ی مربوط به «صالحین» و این طبقات «صالحین»، از کارهای بسیار خوب و برجسته است و در طریق همین تکمیل بسیج قرار دارد که ان شاء الله روز به روز باید آن را کاملتر کرد. کیفیتها باید بالا برود؛ البته کیفیت بر کمیت ترجیح دارد، لکن کمیت با کیفیت هم دارای اهمیت است؛ یعنی گسترش سطحی و عرضی همراه با عمق‌یابی، هر دو باید مورد توجه قرار بگیرد. امروز دنیای اسلام محتاج این حرکت بسیجی است.

این وحشی‌گری‌هایی که در این یک هفته‌ی اخیر در غزه انجام گرفت، که حقیقتاً انسان را از سطح سبعت مسئولین رژیم صهیونیستی دچار شگفتی میکند، همین‌ها بایستی وجدان دنیای اسلام را تکان بدهد و این حرکت عظیم مردمی در دنیای اسلام بایستی روح تازه‌ای پیدا کند. دشمن بیکار نیست و این حرکت ابعاد گوناگونی دارد؛ اولاً، سبعت سردمداران رژیم صهیونیستی. چقدر اینها وحشی‌اند، چقدر اینها دور از وجدان بشری‌اند؛ انسانهای بیگناه را، انسانهای غیرنظامی را اینجور مورد تهاجم قرار دادن! انسان واقعاً تعجب میکند، حیرت میکند؛ بوئی از انسانیت، اینها نبرده‌اند. اینها در مقابل دنیای اسلامند، اینها در مقابل نظام جمهوری اسلامی‌اند، اینها مدعی جمهوری اسلامی در محافل جهانی‌اند؛ این انسانهای بونبرده‌ی از انسانیت. این یک بُعد مسئله است که خیلی مهم است.

یک بُعد دیگر قضیه این است که سردمداران نظام استکبار، آنقدر وقیح برخورد میکنند با این قضیه که انسان را متعجب میکنند؛ یعنی نه فقط احم نمیکند، نه فقط بازداري نمیکند این رژیم سنگدل و ددمنش را از کارهایش، بلکه او را تقویت میکنند، تشویق میکنند، حمایت میکنند! آمریکا صریحاً حمایت کرد، انگلیس حمایت کرد، فرانسه حمایت کرد. اینها سردمداران دنیای استکبارند. اینها همان کسانی هستند که ملت‌های مسلمان، امروز در اعماق دل خود، دشمنی خشن‌تر و منفرتر از اینها ندارند. اینها همه صریحاً حمایت کردند. وزن گرایش به اخلاق و معنویت در دنیای استکبار را از این حادثه میشود فهمید. چقدر اینها دورند از انسانیت! خب، حالا حمایت سیاسی میکنند به خاطر اغراض فاسد سیاسی، دیگر دم از حقوق بشر چرا میزنند این افراد؟! آیا آمریکا که در مقابل این حرکت خشن و وحشی نه فقط موضع نمیگیرد، بلکه حمایت هم میکند، دیگر حق دارد دم از حقوق بشر بزند؟ حق دارد خود را محاکمه‌کننده‌ی ملت‌ها و دولت‌ها در زمینه‌ی حقوق بشر بداند؟ این هم یک وقاحت مضاعف است. فرانسه همین طور، انگلیس همین طور. سابقه‌ی رفتار اینها در دنیای اسلام، جنایت‌هایی که کردند، کشتارهایی که کردند، فشارهایی که به مردم مسلمان در کشورهای مختلف وارد کردند، اینها هنوز از یاد ملت‌های مسلمان نرفته است، باز امروز از رژیم سبع ددمنش وحشی‌ای مثل رژیم صهیونیستی حمایت میکنند، دفاع میکنند از کار او. این هم یک بُعد این قضیه است.

یک بُعد دیگر قضیه، رفتار کشورهای عربی و اسلامی است، که رفتار مناسبی نبود. بعضی‌ها به حرف اکتفا کردند، بعضی‌ها حرف هم حتی نزدند؛ محکوم هم حتی نکردند! آن کسانی که داعیه‌ی اسلام دارند، داعیه‌ی دعوت به وحدت مسلمین دارند، داعیه‌ی هدایت دنیای اسلام را دارند، خب در یک چنین مواقعی بایستی خودشان را نشان بدهند. در قضایای گوناگونی که اغراض سیاسی آنها را تأمین میکند، بی‌دریغ وارد میشوند، اما اینجا چون طرف، آمریکاست؛ چون طرف، انگلیس است، حاضر نیستند حتی درست محکوم کنند. یا به حمایت لفظی اکتفا میکنند، که هیچ ارزشی ندارد؛ کار کم‌اثری است. امروز دنیای اسلام، بخصوص مجموعه‌ی کشورهای عربی بایستی دست اتحاد به هم بدهند، از این مردم دفاع کنند، محاصره را بردارند و سعی کنند به این مردم مظلوم غزه کمک کنند.

البته خدای متعال به مردم غزه این توفیق را داده است که در مقابل این دشمن خشن و ددمنش استقامت کنند، ایستادگی کنند، و آنها پاسخ ایستادگی خودشان را هم گرفتند، و آن عزت مردم غزه بود؛ نشان دادند که با ایستادگی، با مقاومت، با سختکوشی میتوان با همه‌ی حجم کوچک، بر یک حجم بزرگ پیچیده‌ی مسلح تأیید شده و حمایت شده‌ی از طرف قدرتهای بزرگ فائق آمد. امروز صهیونیستهای حاکم بر فلسطین اشغالی برای آتش‌بس دستپاچه‌تر از مردم غزه و مسئولان غزه هستند. جنایت را آنها کردند، خبثت را آنها کردند، ددمنشی را آنها کردند، اما ضربه‌ی بیشتر را هم آنها دارند میخورند، به خاطر ایستادگی جمع کوچک مسلمان مردم غزه و جوانان غزه. و راه، جز این نیست؛ این یک پیام است به دنیای اسلام: دنیای اسلام اگر میخواهد در مقابل حملات دشمنان و خبثت‌های دشمنان و توطئه‌های دشمنان و نامردی‌ها و ناجوانمردی‌های دشمنان آسیب‌ناپذیر بماند، باید با قدرت از خود دفاع کند. (4) باید در خود قدرت ایجاد کند؛ هم قدرت معنوی که قدرت ایمانی و عزم اراده است و هم قدرت مادی. پیشرفت علمی، قدرت مادی است؛ تجربه و فناوری، قدرت مادی است؛ توانائی ساخت تجهیزات زندگی، اعم از سلاح و غیر سلاح، قدرت مادی است. اینها را باید دنیای اسلام و جوامع اسلامی برای خودشان فراهم کنند. آن وقت واحدی به کوچکی غزه سختی را تحمل میکند، شهیدانی میدهد، اما کاری میکند با دشمن، که همان طور که گفتیم، دشمن امروز برای آتش‌بس در غزه دستپاچه‌تر است تا خود مسئولان غزه و مردم غزه. این درس است برای دنیای اسلام و البته ما این درس را از دوران دفاع مقدس آموختیم. بحمدالله مردم ما، جوانان ما، دانشمندان ما، تجربه‌گران ما در این زمینه پیشرفت کردند. از لحاظ علمی پیشرفت کردیم، از لحاظ تجربی پیشرفت کردیم؛ این حقیقت را فهمیدیم که باید روی پای خودمان بایستیم. این هم یکی از این عوامل ایستادگی است.

و اتحاد؛ اتحاد. این مسئله‌ی اتحاد و وحدت کلمه‌ی در میان مسلمانان و امت اسلام با یک نگاه؛ و در میان ملت‌های مسلمان در هر کشوری، اتحاد میان مردم کشور و ابعاد گوناگون این ملتها، مهم است؛ در مورد ما هم همین صادق است. اینی که ما مکرر عرض میکنیم به جناحهای سیاسی، به مسئولین محترم برای حفظ وحدت، به کسانی که دارای منبر گفتگو هستند؛ چه روزنامه، چه پایگاههای اینترنتی، چه بلندگوهای گوناگون دستگاههای اجرائی و غیر اجرائی، توصیه‌ی ما دائماً به دوستان، برادران، مسئولان، صاحبان قلم، صاحبان بیان نسبت به امر وحدت، به خاطر این است که وحدت یک عنصر عظیم است و کشور ما با اتحادی که خوشبختانه ملت دارند - که این اختلافات گوناگون نتوانسته است خوشبختانه ملت را تجزیه کند - یکپارچگی‌اش در حد بالائی محفوظ مانده است. مسئولین هم اختلاف سلیقه دارند، اما اختلاف سلیقه تا وقتی که به گریبانگیری منتهی نشود، هیچ اشکالی ندارد. همین اتحاد و این همدلی توانسته است کشور را در چشم دشمنان به عنوان یک مجموعه‌ی مقتدر، به عنوان یک کشور مقتدر حفظ بکند. الان هم همین جور است. من چندی پیش سفارش کردم نسبت به اتحاد و وحدت؛ خوشبختانه مسئولین محترم قوا تجاوب کردند؛ خیلی با ارزش است. لازم است از اینها تشکر بشود؛ مسئولین قوا، رؤسای سه قوه تجاوب کردند، اعلام کردند و تأکید کردند بر اینکه بر روی اتحاد بین خودشان در زمینه‌های گوناگون، علی‌رغم اختلاف سلیقه و اختلاف نظری که وجود دارد، خواهند ماند. ما هم همین را از این برادران عزیز و این مسئولان محترم به عنوان یک حرکت مثبت میپذیریم و معتقدیم که واقعاً این کار دوستان حرکت خوبی بود و حالا هم باید مواظب بیانات و اظهاراتشان باشند.

این کاری هم که الان در مجلس محترم شورای اسلامی هست، این هم یکی از همان مسائلی است که یک جنبه‌ی تحسین و تمجید درش هست. این را من عرض بکنم؛ شما برادران و خواهران عزیز و ملت عزیز ما توجه داشته باشید؛ اینی که از مسئولان کشور سؤال بکنند، حالا یا از رئیس جمهور یا از سایر مسئولان اجرائی، این از دو جهت کار مثبتی است: یکی اینکه نشان میدهد که نمایندگان مردم در قوه‌ی مقننه احساس مسئولیت میکنند نسبت به مسائل کشور؛ این مثبت است. جنبه‌ی دیگر این است که مسئولان کشور با اعتماد به نفس و با شجاعت قابل تحسین میگویند آماده هستند که بیایند توضیح بدهند، این سؤالات را بیان کنند؛ این هم مثبت است. هم مسئولان قوه‌ی مقننه‌ی ما به وظیفه عمل میکنند، هم مسئولان قوه‌ی مجریه ما نشان میدهند که به صحت عمل خودشان و صداقت خودشان اطمینان دارند و اعتماد دارند. انسان چه میخواهد دیگر، از همه بهتر، این است. حالا این کار اتفاق

افتاده است ؛ یعنی مجلس میگوید میخواهد بپرسد، این احساس وظیفه است ؛ دستگاه دولتی میگوید میخواهد با اعتماد به نفس پاسخ بدهد و از عهده‌ی پاسخ برمی‌آید - که این را به ما هم گفتند - این هم قابل تحسین هست ؛ هر دو قضیه خوب است، لکن من معتقدم که این دو نقطه‌ی مثبت تا اینجا انجام گرفته، از اینجا به بعد دیگر ادامه پیدا نکند. (5) همین جا تمامش بکنند ؛ همین جا تمام کنند قضیه را. مجلس يك امتحان خوبی داده است، يك امتحان خوبی مسئولین اجرائی داده‌اند ؛ این امتحان، امتحان خوبی بود. مردم هم با بصیرتند، مردم میفهمند، تشخیص میدهند. ادامه‌ی این کار همان چیزی است که دشمنان میخواهند ؛ دوست میدارند این دو قوه را در مقابل هم قرار بدهند ؛ يك عده‌ای تحت تأثیر احساسات از این طرف، يك عده‌ای تحت تأثیر احساسات از آن طرف، يك عده‌ای قلمها و وسائل تبلیغ را در روزنامه و در پایگاه اینترنتی و غیره به کار بگیرند و يك فضای شلوغی درست کنند. نه، کشور احتیاج دارد به آرامش. همه‌ی مسئولین، چه مسئولین تقنین، چه مسئولین قضا، چه مسئولین اجرا، برای اینکه کار خود را انجام بدهند، آرامش لازم دارند، مردم هم آرامش را دوست دارند. آنچه که وظیفه‌ی مجلس بود، انجام گرفت ؛ دولت هم در مقابل آنچه که وظیفه‌ی مجلس است، اعتماد به نفس لازم را نشان داد ؛ این از هر دو طرف خرسند کننده است. از حالا من از آن برادران و مجموعه‌ی چند ده نفری در مجلس که این کار را شروع کردند، تقاضا میکنم قضیه را تمام کنند و نشان بدهند عملاً هم مسئولین دولتی، هم مسئولین قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضائیه که بیش از همه چیز به وحدت این ملت و آرامش کشور احترام میگذارند. (6)

از همه‌ی برادران و خواهران فعال در حوزه‌ی کار بسیج تشکر میکنیم. ان شاءالله خدای متعال به همه‌ی شما توفیق بدهد. از برادران و خواهرانی هم که صحبت کردند، از همه‌شان تشکر میکنیم. امیدواریم ان شاءالله خداوند به همه‌شان جزای خیر بدهد. از این برادر عزیزی هم که این مدال خود را به ما اهدا کردند، تشکر میکنیم. این مدال را هم من قبول کردم از ایشان، لکن درعین حال برمیگردانم و هدیه میکنم به خودشان ؛ بهتر همین است که دستشان بماند که هم یادگار قهرمانی‌شان باشد، هم یادگار ما به ایشان باشد. ان شاءالله موفق باشید.

1) ارشاد، ج 2، ص 127

2) تکبیر

3) نهج البلاغه، حکمت 71

4) تکبیر

5) تکبیر

6) تکبیر و شعار: «ای رهبر آزاده آماده‌ایم، آماده»